

**** دانشجوی دکتری فقه مقارن جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية.**

مقدمه

نقش ویژه تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تاکنون ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است؛ زیرا تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج کمال، ارزش‌ها و سعادت برساند. بر این اساس شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است، بر همین اساس است که ابوحامد غزالی (ر ک: غزالی، ۱۴۰۲ هـ.ق، ۱/۱۳) و خواجه نصیر طوسی (ر ک: خواجه نصیر، ۱۳۷۳ ش، ۱۰۶) و بسیاری از اندیشمندان دیگر، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش‌ها دانسته‌اند.

تعلیم و تربیت به عنوان دانشی سازمان یافته و نظام‌مند، از دیدگاه‌های مختلف علمی بهره می‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که توانسته در نظام‌دهی تعلیم و تربیت نقش مهمی ایفا نماید، دین مبین اسلام است. اسلام به عنوان دینی جامع (آل عمران/ ۹) در نظام تربیتی خویش، دیدگاه‌های متمایزی دارد که زمینه هدایت، پویایی و شکوفایی عقلانی انسان را فراهم می‌سازد و به تربیت جسم، عقل و روان انسان می‌پردازد. موضوعاتی همچون تزکیه (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)، هدایت (یونس، ۲۵ و ۳۵؛ اسراء، ۹؛ نساء، ۲۶؛ شعراء، ۷۸؛ انعام، ۱۲۵؛ انسان، ۳) و حفاظت از دیگران (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴)، ناظر دانستن خدا بر اعمال خویش (کلینی، ۱۳۶۴ ش، ۸/ ۱۷۲)، مقدم بودن حیات اخروی بر حیات دنیوی (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۱)، جامعیت و شمول (همان، حکمت ۴۲۱)، عبادی بودن تربیت (همان، خطبه ۱۸۳)، هماهنگی با فطرت (همان، خطبه ۱)، از جمله شاخصه‌های اصلی تربیت اسلامی می‌باشند.

متون اسلامی که برگرفته از قرآن کریم (انعام، ۵۹) و سنت اهل بیت (ع) ۲ هستند، قوانین حاکم بر نظام هستی و واقعیت‌های مربوط به انسان و جهان را بیان کرده است. همچنین درباره انسان به عنوان خلیفه خدا (بقره، ۳۰)، ۳ مَسْجود فرشتگان (بقره، ۳۴)، ۴ اشرف مخلوقات (اسراء، ۷۰) و گل سَرَسبد جهان آفرینش (مؤمنون، ۱۴)، ۶ به بهترین شکل سخن گفته‌اند که لازم است مورد توجه قرار گیرند.

از آنجایی که انسان در آغاز ولادتش فاقد علم، ادراک، تربیت و کمال است و به تدریج با

تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم، استعدادهاي بالقوة او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد؛ به همین منظور یکی از موضوعاتی که در نظام تعلیم و تربیت اسلام مورد توجه قرار گرفته است، مراحل آن است. برای همین مراحل تعلیم و تربیت به ظرافت خاصی مورد مذاقه اسلام است که وجه تمایز اساسی با دیگر مکاتب تربیتی دارد؛ به طوری که «اسلام قبل از این که تولدی در کار باشد و قبل از ازدواج، تا وقت ازدواج و حمل و تولد و تربیت در بچگی، تا حد بلوغ و جوانی، تا وقت پیری و تا وقت مردن و در قبر و بعد القبر، برای تمام این مراتب احکام دارد.» (خمینی، ۱۳۷۸ ش، ۱/ ۲۳۵).

این تحقیق به دنبال بررسی و تبیین این موضوع است که از دیدگاه اسلام چه مرحله‌ای برای تعلیم و تربیت وجود دارد؟ و چه برنامه‌هایی در این خصوص مدنظر گرفته است؟ و اینکه چه بستگی بین این مراحل وجود دارد؟

به همین منظور این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری از منابع دینی (کتابی - دیجیتالی) به صورت توصیفی - تحلیلی تدوین شده است.

اهمیت موضوع

اسلام توجه ویژه‌ای به موضوع تعلیم و تربیت دارد تا آنجا که هدف بعثت انبیاء (ع) را تزکیه و تعلیم معرفی کرده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه، ۲)؛ و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!». از آنجایی که «پرورش انسان منحصر به يك دوره خاص از زندگیش نیست و همه دوران زندگی را شامل می‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ۶۳)، و از طرف دیگر، تعلیم و تربیت با روح و بدن انسان سر و کار دارد و این دو بُعد انسان پیوسته در حال دگرگونی‌اند، تغییرات در ساحت‌های مختلف بینشی، انگیزشی و رفتاری انسان هم، به تدریج و در طی زمان تحقق می‌یابد. به این ترتیب، تعلیم و تربیت در ساحت‌های مختلف، به طور طبیعی مراتب مختلفی خواهد داشت. این مراتب ممکن است به

لحاظ شرایط خاص اشخاص و یا گروه‌ها، متفاوت باشد. اما برخی مراتب تعلیم و تربیت ناشی از شرایطی است که برای همه انسان‌های معمولی حاصل می‌شود و می‌توان آن‌ها را مراحل تعلیم و تربیت نامید (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ۳۳۶).

توجه در تعیین این مراحل و تفکیک آن‌ها از این جهت ضرورت می‌یابد که ممکن است اهداف، برنامه‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت در مراحل مختلف، متفاوت باشند. در واقع، تفکیک نشدن مراحل تعلیم و تربیت موجب می‌شود، اولاً برنامه‌ریزان نتوانند انتظارات خود را به طور مشخص در برنامه منعکس کنند، ثانیاً معلمان و مربیان نتوانند دریابند که چگونه و تا چه حد باید اهداف را تحقق بخشند و ثالثاً دست‌یابی به اهداف، قابل ارزیابی نباشد.

از سویی دیگر باید توجه داشت که برخی توانمندی‌ها و قابلیت‌های انسان در مقاطعی خاص امکان پرورش دارند یا دست کم در مقاطع خاص، پرورش آنها ساده‌تر یا موفقیت‌آمیزتر است و نیز آمادگی ذهنی انسان برای درک موضوعات مختلف در مراحل مختلف رشد، متفاوت است، از همین رو چنانچه به مراحل تعلیم و تربیت توجه نشود، ممکن است فرصت مناسب برای آموزش برخی موضوعات یا پرورش برخی گرایش‌ها و استعدادها از دست برود (همان).

هرچند تحقیقات گسترده و خوبی درباره این موضوع صورت گرفته است، ولی به صورت جزئی و با رویکردهای غیر اسلامی ارائه شده‌اند و پژوهش‌هایی که با دیدگاه اسلام انجام گرفته‌اند، رویکردهای غیر تربیتی همچون: حقوقی، اخلاقی و روان‌شناختی داشته‌اند و نقص پژوهشی در این زمینه، ضرورت تحقیقی مستقل و با رویکرد تربیتی را آشکار می‌کند.

پیشینه

تحقیقات گسترده‌ای در خصوص تعلیم و تربیت صورت گرفته‌است؛ اما مراحل آن به صورت صحیح بیان نشده‌است. موریس دُبس به «مراحل تربیت» در فرزندان با توجه به مراحل رشد آن‌ها پرداخته است (دبس، ۱۳۷۴ش). همچنین شکوهی تعلیم و تربیت فرزندان را در مراحل شش‌گانه تبیین کرده‌است؛ ولی در توصیف و تحلیل مراحل تعلیم و تربیت، رویکرد اسلامی نداشته‌است (شکوهی، ۱۳۸۱ش).

تحقیقات دیگر که از زوایای مختلف به مراحل تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند، فقط به بیان آدابی از تربیت فرزند بسنده کرده‌اند؛ به عنوان نمونه: پژوهش حسینی (حسینی، ۱۳۸۴ش)، روابط سالم و سازنده بین والدین و فرزندان را در سه دوره کودکی، نوجوانی و جوانی مورد بررسی قرار داده است. مطالعه معیری نیز از همین سنخ است (معیری، ۱۳۷۸ش). موسوی راد لاهیجی، تأثیر انتخاب همسر، دوران بارداری و نام‌گذاری کودک (دوره تمهیدی) و تربیت در دوران رضاع، طفولیت و جوانی را با دیدگاه اسلامی مورد توجه قرار داده است (لاهیجی، ۱۳۷۷ش). تحقیق میخبر و همکارانش نیز در قالب کتاب «ریحانه بهشتی»، به بررسی رشد فرزند از دوره جنینی تا مراحل بزرگسالی با توجه به آموزه‌های اسلامی صورت گرفته است (میخبر، ۱۳۸۶ش). همین‌طور عندلیب سیره تربیتی معصومین (ع) را در مقاطع مختلف رشد بررسی کرده است (عندلیب، ۱۳۸۴ش). اما الهامی‌نیا و احمدی فقط به دو دوره قبل از تولد و بعد از آن اشاره کرده است (الهامی‌نیا و احمدی، ۱۳۷۸ش).

برخی از پژوهش‌ها صرفاً دوره‌ای خاص از رشد را با دیدگاه اسلامی بررسی کرده‌اند. چنان‌که حاجی‌ده‌آبادی و حسینی‌زاده، به بررسی مسائل تربیتی جوانان فقط از دیدگاه روایات پرداخته‌اند (حاجی‌ده‌آبادی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷ش). پورامینی همین موضوع را از نگاه پیامبر اکرم (ص) مورد مطالعه قرار داده است (پورامینی، ۱۳۸۲ش). همت‌بناری نیز از نقطه‌نظر معصومین (ع) چنین تحقیقی را انجام داده است (همت‌بناری، www.seraj.ir). قائمی در مطالعه‌ای دیگر، مسائل تربیتی نوجوانان را اضافه‌تر مورد بررسی قرار داده است (قائمی، ۱۳۷۰ش). محمدی‌ری‌شهری، در «حکمت‌نامه کودک»، ۵۲۲ روایت را بر اساس بخش‌های «بنیاد تربیت کودک»، «حقوق فرزندان» و «وظایف کودک» تنظیم نموده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷ش). اما انصاری شیرازی و همکاران در «موسوعة احکام الاطفال و ادلتها»، آرای فقهی مربوط به کودک و مسائلی همچون وظایف والدین را در مراحل تمهیدی، حضانت از کودک، نفقه آنها، ولایت بر ایشان، وظایف اولیاء در تعلیم و تربیت آنها و ... با رویکرد فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ق). شرفی با رویکردی تربیتی، دنیای نوجوانان را کنکاش نموده است (شرفی، ۱۳۷۶ش). فلسفی نیز دیدگاه اسلام را درباره وراثت و نحوه تأثیر آن

بر تربیت در دوره‌های مختلف رشد بیان داشته است (فلسفی، ۱۳۷۷ش) و بهشتی فقط تربیت کودکان را از منظر اسلام کنکاش نموده است (بهشتی، ۱۳۷۲ش).
از مجموع پژوهش‌های صورت گرفته چنین برداشت می‌شود که تحقیقی جامع و مستقل، مراحل تعلیم و تربیت را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار نداده است، که این تحقیق برای رفع این نقیصه تلاش نموده است.

مفاهیم کلیدی

مفاهیم کلیدی که در هر تحقیقی ارائه می‌شود، لازم است که برای شفافیت آنها از میان تعاریف موجود، حدود و ثغور آنها تبیین شود؛ به همین منظور مفاهیم اصلی را به صورت اختصار تعریف می‌نماییم.

تعلیم

تعلیم از اصل «ع ل م» و ماده «عَلَّمَ یُعَلِّم» (فراهیدی، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۱۵۲)، از باب تفعیل، به معنای آموزش، ۷ آموختن (دهخدا، ۱۳۶۱ش)، ۸ یاد دادن (عمید، ۱۳۷۵ش، ۹) و ادراک چیزی با حقیقتش می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۸۰). ازاین‌رو در برخی از لغت‌نامه‌ها به معنای آموزش دادن معارف و دانش‌های مختلف نیز آمده است (افرام بستانی، ۱۳۷۵ش، ۱/ ۲۴۰). در معنای این واژه مفهوم «تکرار و تدریج» نیز نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۸۰).

معنای اصطلاحی این واژه تفاوت چندانی با معنای لغوی آن ندارد. آموزش، اتخاذ تدابیری برای انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و باورهایی است که درستی و کارایی آن‌ها ضمن تجارب گذشته آدمیان به اثبات رسیده است (شکوهی، ۱۳۸۱ش، ۴۸). در واقع فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای به ظهور و فعلیت رساندن استعدادهاي حیطه شناختی در انسان می‌باشد (شعاری نژاد، ۱۳۷۵ش، ۴۱۲). بنابراین فعالیت‌هایی را که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، از جانب معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین معلم و یک یا چند شاگرد به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد، آموزش گویند (سیف، ۱۳۶۸ش، ۱۴). پس فعالیت معلم و شاگرد با هم در کلاس

درس، آموزش است (شریعتمداری، ۱۳۷۴ش، ۸۲) که اگر محور فعالیت دانش‌آموزان باشد، آن را تعلیم و اگر معلم محور باشد آموزش گویند.

طباطبایی در تعریفی جامع بیان می‌کند: «تعلیم عبارت است از این‌که معلم، ذهن متعلم را به سوی آنچه علم پیدا کردن به آن و به دست آوردن آن (برای متعلم) سخت است، راهنمایی کند؛ نه چیزی که ادراک آن، بدون تعلیم برایش غیر ممکن است. در واقع، تعلیم، آسان کردن راه و نزدیک کردن مقصد است؛ نه ایجاد کردن راه و آفریدن مقصد. معلم در جریان تعلیم، به دنبال این است که مطالب را به گونه‌ای دسته‌بندی و سامان‌دهی کند تا ذهن متعلم آن را آسان پنداشته، با آن‌ها مأنوس شود و در نتیجه، در مشقت دسته‌بندی مطالب و در زحمت سامان‌دهی آن‌ها گرفتار نشود که عمر و استعداد او را به هدر داده، یا این‌که او را به آستانه اشتباه در شناخت بکشاند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳/۸۵).

تربیت

واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی «ربو- رَبَّی - يُرَبِّی - تَرْبِیة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۰) به معنای زیادت، فزونی (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲/۲۱۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۴/۳۴) رشد و بلندی آمده است (ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ۲/۴۸۳؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۷۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۰۷/۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۰). به همین جهت به «رایة» سرزمین بلند و مرتفع گویند (فراهیدی ۱۴۲۱ق، ۸/۲۸۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۰)، که تربیت مصدر باب تفعیل از همین ریشه به معنای پروراندن و بارآوردن (دهخدا، واژه تربیت) و یا پرورش دادن (افرام بستانی، ۱۳۷۵ش، ۱/۲۲۱) می‌شود. «رَبِیْتُ الولدَ فرباً» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۰). در قرآن کریم نیز «رَبَوُ» به معنای زیادتی و فزونی در مورد اشیاء ۱۰ و اشخاص ۱۱ به کار رفته است. ۱۲

و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی «رب - رَبَّ - رَبَّ - رَبُّ - تَرْبِیْب» ۱۳ بوده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱/۳۹۹؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۳۶؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ۴/۴۲). و کننده‌ی هر چیز را «رَبِّ» گویند (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۳/۱۷۹؛ ابن فارس،

۱۴۲۰ق، ۳۸۱/۲ و ۳۸۲؛ ابن منظور ۱۴۱۴ق، ۹۵/۵؛ فیروز آبادی، ۱۳۷۱ق، ۷۳/۱؛ افرام بستانی، ۱۳۷۵ش، ۴۱۹/۱ و ۴۲۰). بنابراین «رب» به معنای مالک، خالق و مدبر و تربیت کننده است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ۶۴/۲؛ ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ۳۸۱/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۳۹/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۱۷۹/۳).

اندیشمندان علوم تربیتی تعریف های گوناگون و متعددی برای تربیت ذکر کرده اند (رک: اعرافی، ۱۳۹۱ش، ۱۱۷-۱۳۱؛ مهدی زاده، ۱۳۷۷ش، ۹۵-۱۱۵؛ خادمی، ۱۳۸۴ش، ۷-۱۵). البته بسیاری از آن ها جامع و مانع و کامل نیستند، گو این که یک تعریف رسا، جامع و کامل که همه صاحب نظران آن را بپذیرند دشوار است. ۱۴ هر چند در عین تعدد، در این جهت توافق دارند که تربیت مجموعه تدابیر و روش هایی است که برای به فعلیت در آوردن ابعاد گوناگون انسان به کار گرفته می شود.

تربیت یعنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای شکوفایی استعداد های انسان در جهت کمال مطلق (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷ش، ۲۴). مطهری (رک: مطهری، ۱۳۷۴ش، ۵۶) و قائمی (رک: قائمی، ۱۳۷۶ش، ۱۰۱) آن را به فعلیت رساندن استعداد های درونی آدمی می دانند؛ اما جان لاک تعبیر به پرورش قوای ذهنی می کند (رک: شریعتمداری، ۱۳۸۷ق، ۷۴).

شکوهی نیز اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد است را تربیت می نامد (رک: شکوهی، ۱۳۸۱ش، ۶). اما جان دیوئی معتقد است: «رشد ۱۵ خود به خود نمی تواند هدف واقع شود و بلکه باید آن را به سویی هدفی مشخص و معین سوق داد.» (شریعتمداری، ۱۳۸۷ق، ۸۸ به بعد).

البته «تربیت» به مفهوم عام آن، شامل جنبه های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است، و هر یک از این ابعاد به لحاظ روان شناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد (سیف، ۱۳۹۱ش، ۱۹۱ و ۱۹۲). اما «تربیت در اصطلاح خاص، چیزی غیر از تعلیم است. تربیت به معنای شدن و به شکل خاصی در آمدن و یک هویت درست و مطلوبی را پیدا کردن است که شامل تربیت های اخلاقی، تربیت های دینی و به اصطلاح تزریق اخلاقیات در وجود انسانی می شود.» (خامنه ای، ۱۳۶۵ش، ۵۵).

در يك جمع بندي از مجموع تعاریف و با نگاه به معارف دینی می‌توان تربیت را به سه دسته تقسیم نمود:

تربیت به معنای عام (پرورش)؛ یعنی فراهم کردن شرایط و امکانات محیطی برای ظهور و به فعلیت رسیدن استعداد های بالقوه در هر موجودی که قابلیت توانایی رشد و تغییر در آن وجود دارد.

تربیت به معنای خاص؛ یعنی فراهم نمودن شرایط و زمینه های مناسب محیطی برای ظهور و به فعلیت رسیدن استعداد های بالقوه موجود در انسان در حیطه های مختلف یادگیری (حیطه شناختی، عاطفی، روانی و حرکتی). این تعریف از تربیت، معادل آموزش و پرورش در زبان فارسی و Education در زبان لاتین است. ۱۶

تربیت به معنای اخص؛ یعنی فراهم نمودن بستر و محیط مناسب برای تربیت انسان شایسته ای برای ظهور و فعلیت رسیدن استعداد خاص در حوزه روحی، روانی و عاطفی که محصول آن تربیت، بار آمدن انسان شایسته است به عبارت دیگر زمینه مناسب را فراهم کردن برای تربیت انسان کامل. ۱۷

مراحل

روشن است که بحث مراحل تربیت، به دلیل آنکه ماهیتی هست‌محور و توصیفی دارد، در شمار مبانی تربیت قرار می‌گیرد؛ هرچند به دلیل اهمیت به حوزه مطالعاتی مستقل تبدیل شده و شاخه‌ای مانند: روان‌شناسی رشد را به خدمت گرفته است (اعرافی، ۱۳۹۱ ش، ۱/ ۱۶۸ و ۱۶۹). مجموعه‌ای از فعالیت‌های تعلیم و تربیت را که هر يك دامنه‌ای محدود دارند و مجموعاً از نظر زمانی در طول یکدیگر و مترتب بر هم در نظر گرفته می‌شوند و ناظر به شرایط و ویژگی‌های عادی و معمولی هستند، مراحل تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱ ش، ۳۳۷).

با توجه به تعریفی که از مرحل تعلیم و تربیت ارائه شد ساحت‌ها که محدوده‌های هم عرض هستند، ۱۸ از تعریف خارج می‌شوند. از طرف دیگر، مراتبی از تعلیم و تربیت که بر اساس

ویژگی‌های اشخاص و گروه‌هایی مانند تیزهوشان، عقب‌ماندگان ذهنی، نخبگان، نوابغ، ناشنویان و نابینایان، یا بر اساس شرایط خاص زمانی، مکانی و امکانات بیرونی تنظیم می‌شوند، مراحل تعلیم و تربیت نامیده نمی‌شوند (همان، ۳۳۷).

طولی بودن مراحل تعلیم و تربیت نیز به این معناست که برای ورود به هر مرحله، گذر از مرحله قبل لازم است. بنابراین یکی از وظایف مجریان برنامه‌های تعلیم و تربیت، ارزیابی مخاطبان در نحوه گذراندن هر مرحله، حصول اطمینان از کسب موفقیت لازم در وصول به اهداف آن مرحله و احراز شرایط لازم برای ورود به مرحله بعد است (همان).

در تعریفی که ارائه شد، شرایطی برای مجموع مراحل در نظر گرفته نشده است. در این صورت، همان‌گونه که مجموع فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی برای یک انسان در طول زندگی او، به مرحله‌ای قابل تقسیم است، یک برنامه یا پروژه تعلیم و تربیت را نیز می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد. اما گاه مرحله را به معنای محدودتری در نظر می‌گیرند و صرفاً محدوده‌هایی طولی از فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی را مرحله می‌نامند که مجموعه آنها از نظر زمانی بر کل زمان تعلیم و تربیت منطبق باشد و از همین رو، می‌کوشند مراحل تعلیم و تربیت را با مراحل رشد هماهنگ سازند (همان، ۳۳۸). ما برای روشن‌تر شدن مباحث و تکمیل آنها به بررسی مراحل تعلیم و تربیت بر اساس مراحل رشد و اولویت‌های منطقی، ساختاری، محتوایی و فقهی در ادامه تحقیق خواهیم پرداخت.

بررسی مراحل تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس اولویت‌های محتوایی

تعیین مراحل در تعلیم و تربیت، نیازمند ملاک مهم دیگری برای اولویت‌سازی است که دخالت مستقیم در فرایند تعلیم و تربیت دارد. اولویت‌های محتوایی می‌توانند تربیت صحیح و جامع‌متربی را از افراط و تفریط دور نمایند و راه رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده را هموار نمایند. البته با فرض اینکه جهات دیگر ما را از رسیدن به اهداف مانع نباشند.

از آنجایی که تعلیم و تربیت دارای اهداف گوناگونی است که با یکدیگر رابطه طولی دارند (ر ک: همان، ۲۱۲-۲۸۹)، رسیدن به هر کدام از آنها بر اساس اولویت‌سازی سالم و صحیح

می‌تواند تمامی اهداف را تأمین نماید. اولویت اول در تعلیم و تربیت اسلامی رسیدن به قرب الهی است که تأمین اهداف دیگر، در همان جهت قابل توجیه می‌باشد.

به این ترتیب در تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم آن دسته از آموزه‌ها و تربیت آن دسته از گرایش‌ها و رفتارهایی که دین اسلام برای سعادت حقیقی انسان لازم دانسته است، در مرحله اول اولویت قرار می‌گیرند، به طوری که هرگاه تعلیم و تربیت در این موارد با موارد دیگر تزامن داشته باشند، باید دسته اول را مقدم داشت.

همچنین در تربیت و پرورش استعدادها، آنچه تأثیر بیشتر و بی‌بدیل‌تری در قرب الهی دارد، در مرحله نخست اولویت قرار می‌گیرد و تربیت سایر امور، بر همین اساس به ترتیب در مراحل بعد قرار خواهند گرفت. حال سؤال اساسی این است که در تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم، اولویت دارد یا تربیت؟ ۱۹ در پاسخ به این پرسش باید خاطر نشان کرد که نمی‌توان با مقایسه تک‌تک انواع تعلیم و تربیت حکمی کلی درباره اولویت یکی از آنها صادر کرد، به این معنا که بگوییم همه انواع تعلیم بر همه انواع تربیت اولویت دارند یا بر عکس. زیرا، گرچه تربیت در بسیاری از ابعاد، که انسانیت انسان به آنها وابسته است، بر تعلیم برخی امور غیرضروری اولویت دارد، اما ممکن است تعلیم برخی امور ضروری بر تربیت برخی ابعاد، مانند برخی مراتب تربیت بدنی، مقدم باشد. اما می‌توان گفت از آنجا که از دیدگاه اسلام، تعلیم تنها مقدمه‌ای برای شناخت راه است و آنچه حقیقتاً انسان را به مقصود می‌رساند عمل باطنی است که مقدمه قریب و بی‌واسطه آن، تربیت است، چنانچه فرض تربیت بدون تعلیم، فرض معقولی باشد و با آن تزامن پیدا کند، یعنی لازم باشد یکی از آنها را انتخاب کنیم، تربیت بر تعلیم مقدم خواهد بود و به عبارت دیگر، برخی انواع تربیت، بر همه انواع تعلیم - به شرط آن‌که آن تربیت بدون تعلیم امکان‌پذیر باشد - اولویت دارد (رک: همان، ۳۷۲ و ۳۷۳).

در این قسمت برای روشن شدن اولویت‌های محتوایی تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، به مهم‌ترین برنامه‌های آموزشی تربیتی اسلام را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم.

آموزش در هفت سال اول

کودکان دارای روحیه‌ای لطیف و حساس‌اند و مربی را تنها پناهگاه امن و آرامش‌بخش خود می‌دانند. والدین به عنوان تنها مربی در این دوران باید در رابطه خود با آنها، علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای روانی آنها - مانند نیاز به محبت، نیاز به بازی و امنیت روانی - را نیز تأمین کنند و آموزش اصول اولیه اخلاق و رفتار با دیگران را نیز در یک رابطه سالم و سازنده مورد توجه قرار دهند. به همین مناسبت امام سجاد (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُصَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ؛ (حرانی، ۱۳۸۴ ش، ۲۶۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۲/ ۶۲۲؛ ۱۴۰۳ ق، ۲/ ۵۶۸) اما حق فرزندت، بدان که او از توسل و خیر و شرش در دنیا به تو خواهد رسید و منسوب به تو می‌شود و تو مسئول هستی در قبال وظایفی که بر عهده توسل از حسن ادب و هدایت و راهنمایی به سوی پروردگارش و او را یاری کنی در اطاعت پروردگار. اگر وظایف خود را به خوبی به انجام رساندی به تو ثواب می‌رسد و در غیر این صورت عقاب خواهی شد؛ پس به خوبی وظیفه تربیت را انجام بده، مانند کسی که در همین دنیا آثار نیک کارهای فرزندش به او می‌رسد و مانند کسی که در مقابل خداوند عذر داشته باشد، یعنی هیچ گونه کوتاهی در امر تربیت فرزند روا مدار.»

اگر این تعلیم و تعلم صورت نگیرد و تربیت مورد نظر اسلام محقق نشود نتایج بدی در پی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها در کلام نبوی (ص) که می‌فرماید: «وَيْلٌ لِلْأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بَرَاءٌ؛ (شعیری، بی تا، ۱۰۶) وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان. سؤال شد از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه، از پدران مؤمن آنها که به آنها واجبات و حلال و حرام دین را نمی‌آموزند و از یادگیری آنها جلوگیری می‌کنند و تنها به کامیابی‌های دنیوی آنها راضی‌اند؛ من از آنها بیزارم و آنها از من.»

اسلام دینی است که برنامه‌سازی دقیقی برای مراحل رشد فرزندان دارد. هر آدایی که درباره تربیت فرزند از ابتدای تولد - حتی قبل از تولد - جنبه آموزشی و تربیتی دارد. چنان‌که در مرحله سیادت عنوان کردیم آموزش معارف و قرآن به کودک توصیه نشده است. ولی آشنایی با برخی از رفتارها و مناسک عبادی به صورت مختصر توصیه شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۲۸۱). با تولد کودک اذان و اقامه گفتن در گوش کودک مستحب است (مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱/ ۱۴۷؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۲۹۹). ۲۰ از جمله آداب دیگر این است که زمانی که کودک قادر به تکلم می‌شود، الفاظ محوری دین تلقین شود و در سنین بالاتر نیز، آموزش آداب و تعالیم محوری دین، مانند وضو و نماز، در اولویت قرار داده شود. ۲۱ مفاهیم و آموزه‌های دینی را می‌توان با ارائه راه‌کارهای دقیق علمی به کودکان آموخت (رک: باهنر، ۱۳۸۰ش؛ یاب، ۱۳۸۱ش).

درستی چنین شیوه تربیتی را دانش روانشناسی جدید نیز به اثبات رسانده است: «کودک در سن دو تا سه سالگی از جنبه کلامی قادر خواهد بود ادراک خود را درباره بسیاری از اشیا و روابط [بین آن‌ها] بیان کند ... و در پایان سه سالگی می‌تواند جملات را براساس قواعد زبانی رایج به کار گیرد و این آمادگی، امکان ساخت جملات ابتدایی و صحیح را برای وی فراهم می‌آورد.» (عاقل، ۱۹۸۵م، ۲/ ۱۳۲).

همچنین با توجه به قابلیت یادگیری کودکان، در این سنین، آموزش فنون و مهارت‌های عملی متناسب با نیازهای آینده‌شان، بر آموزش مهارت‌های دیگر مقدم داشته شود. ۲۲

آموزش در هفت سال دوم

آموزش‌های مربوط به این دوره پربارترین و پرمحتواترین دوره تربیتی کودکان و نوجوانان را شامل می‌شود، تأکیدهای خاص منابع دینی این دوره را از دوره‌های دیگر متمایز نموده است. چنان‌که در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۲۸؛ کلینی، ۱۳۶۴ش، ۸/ ۹۳) نوجوانان را دریاب، زیرا آنها به هر کار خیری سریع‌تر می‌گیرند.» به همین خاطر در این قسمت مهم‌ترین آموزش‌های دینی که در منابع اسلامی به آنها تأکید شده است را به صورت اجمال ذکر می‌کنیم:

الف: واجبات و محرمات

با توجه به این که كودك ۲۳ و نوجوان در آستانه تکلیف قرار دارد و نوجوان به تکلیف رسیده، لازم است با وظایف خویش آشنا گردد. برای همین از لحاظ محتوایی آموزش، اولویت با مسائل دینی است. در وصیتی که از حضرت امیر (ع) به امام مجتبی (ع) آمده است: «وَأَنْ أُبَدِّلَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ؛ پس در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم، و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.» (نهج البلاغه، ۳۹۴؛ حرانی، ۱۳۸۴ش، ۷۱) بدون شك وقتی از یاد دادن واجبات و محرمات سخن به میان می‌آید، مراد آموزش مسائل ضروری و مورد ابتلا و رعایت اولویت‌ها و مراتب ضروری است، گرچه یاد دادن برخی محرمات مانند احکام لواط، زنا، مساحقه و مانند آنها نیز چه بسا محل تأمل باشد، ولی به هر حال باید به تناسب سن، فهم و شخصیت نوجوان به نوعی او را از احکام شریعت در امور جنسی آگاه کرد که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت.

نکته مهم این است که در آموزش احکام به طور کلی و آموزش واجبات و محرمات ذکر فلسفه و علت احکام، به ویژه در جایی که در متون دینی به فلسفه این گونه احکام اشاره شده، مفید و ضروری است. برخی از آموزش‌ها در اسلام با توجه به جنسیت متربی مورد تأمل انگاشته شده است. به عنوان مثال در برخی از روایات آموزش سوره یوسف به دختران نوجوان نهی شده است؛ در واقع وقتی يك قصه قرآنی می‌تواند (احتمالاً) تأثیر سوء بر افکار و روحيات مخاطب نوجوان داشته باشد، آموزش برخی محرمات نیز این تأثیر را بر مخاطب خود دارد. در روایتی از امام صادق (ع) در بیان تکالیف مادر نسبت به فرزند دختر خویش آمده است: «إِذَا كَانَتْ أُنْتَى أَنْ يَسْتَفْرِهُ أُمُّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمُهَا وَيُعَلِّمَهَا سُورَةَ النَّورِ وَلَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ؛ هرگاه فرزند دختر باشد، باید مادرش را خوشحال کرد، نام نیک بر او گذارد، سوره نور را به او بیاموزد و سوره یوسف را به او نیاموزد.» (کلینی، ۱۳۶۴ش، ۶/۴۸) همچنین روایت داریم که حضرت امیر (ع) فرموده است: «لَا تُعَلِّمُوا نِسَاءَكُمْ سُورَةَ يُوسُفَ وَلَا تُقَرَّءُوهُنَّ إِيَّاهَا فَإِنَّ فِيهَا الْفِتْنَ وَ عَلَّمُوهُنَّ سُورَةَ النَّورِ فَإِنَّ فِيهَا الْمَوَاعِظَ» (کلینی، ۱۳۶۴ش، ۵/۵۱۶)؛ به زنان تان سوره یوسف را

تعلیم ندهید و بر آن‌ها نیز نخوانید چرا که در آن، برای ایشان فتنه‌های زیادی است و به آنها سوره نور تعلیم دهید چرا که در آن موعظه‌های فراوانی قرار دارد.» دلیل آن، این است که سوره یوسف مشتمل بر داستان عاشقانه زلیخا به یوسف است در حالی که سوره نور در برگیرنده آداب و دستورات اخلاقی است که به حال زنان پرسودتر است.

ب: آموزش مستحبات و مکروهات

با همه تأکیدها درباره آموزش واجبات و محرمات و لزوم آنها نباید تنها به آموزش احکام الزامی دین بسنده کرد، بلکه مستحبات و مکروهات را نیز باید به نوجوانان آموخت، و او را به انجام مستحبات و پرهیز از مکروهات دعوت و ترغیب کرد؛ البته در این آموزش نیز رعایت اولویت‌ها، در نظر گرفتن استعدادها و رغبت‌ها، فراهم آوردن زمینه‌ها و لحاظ اصول تربیت دینی ضروری است و بهترین نوع آموزش، بویژه در این‌گونه موارد، آموزش ساکت و خاموش اما با عمل و رفتار است؛ بنابراین، گرچه رعایت تفاوت‌ها و ظرفیت‌های فکری و روحی جوانان در این آموزش همانند سایر آموزش‌ها ضروری است، این به معنای صرف‌نظر کردن از آموزش مستحبات و مکروهات نیست (حاجی ده آبادی، حسینی زاده، ۱۳۸۷ش، ۱۰۱). و این درسی است که ما از سیره معصومان (ع) می‌آموزیم: زراره می‌گوید: در جوانی خدمت امام باقر (ع) رسیدم، برای من از وصف نماز و روزه مستحبی گفت، وقتی سختی و سنگینی انجام این اعمال را در چهره من مشاهده کرد، به من فرمود: نماز و روزه مستحبی مانند نماز و روزه واجب نیست که هر کس آنها را ترک کند، هلاک شود، بلکه مستحب است؛ اگر آن را ترک کردی می‌توانی قضا کنی (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۴ش، ۳/۴۴۲). ۲۴.

امام باقر (ع) در این گفتار حکیمانه خویش اولاً در مقام آموزش مستحبات الهی به زراره بر می‌آید، و ثانیاً: آن هنگام که ناخوشایندی زراره را ملاحظه می‌کند، او را متوجه عدم وجوب و الزام آن می‌نماید و ثالثاً: به او با بیانی نرم و شیوا یادآور می‌شود که قضای این‌گونه عبادات مستحبی نیز امر مفید است. اینها همه نشان می‌دهد که در این سنین باید این‌گونه معارف دینی را به جوانان آموزش داد.

ج: آموزش اصول تربیت دینی

تقید به اصول تربیت دینی و دین‌داری بر همه افراد جامعه لازم است و آموختن آنها نیز مقدمه آن است. نوجوانان نیز از این عموم، مستثنی نیستند، بلکه آموختن اصول تربیت دینی بر آنها نسبت به بقیه مردم لازم‌تر است. در سیره معصومان (ع) و گفتار گهربار ایشان درس‌های آموزنده‌ای در این‌باره وجود دارد. از مطالعه متون دینی می‌توان به سادگی دریافت که معصومان (ع) آموزش اصول تربیت دینی به فرزندان و جوانان را در سرلوحه اعمال و برنامه‌های تربیتی خویش قرار می‌دادند؛ برای مثال، در عین اینکه بر «اهمیت مداومت بر اعمال دینی» تأکید می‌کردند، جوانان و فرزندان را از «افراط در انجام عبادت، پرهیز» می‌دادند. بازخوانی خاطره امام صادق (ع) از دوره جوانی خویش و سخت‌کوشی او در عبادت و تذکر پدر بزرگوارشان به اینکه اینقدر خود را به زحمت نیندازد؛ زیرا خدا به کم نیز قانع می‌شود (همان، ۸۷/۲)، ۲۵ مؤیدی بر این مطلب است (ر ک: حاجی ده‌آبادی، حسینی زاده، ۱۳۸۷ ش، ۱۰۲).

د: آموزش قرآن

یکی از مسائلی که در زمینه تربیت دینی و معنوی نوجوانان اهمیت می‌یابد، شیوه آشنایی آنان با قرآن کریم است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ۲؛ متقی هندی، ۱۴۲۴ ق، ۱۶/۱۸۹). در سیره تربیتی اهل بیت (ع) توجه دادن کودکان به این کتاب الهی جایگاه ویژه‌ای دارد. چنان‌که حضرت صادق (ع) فرمودند: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ؛ بچه هفت سال بازی می‌کند و هفت سال بعد قرآن می‌آموزد» (ر ک: کلینی، ۱۳۶۴ ش، ۶/۴۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). ۲۶ در برخی از روایات، حتی به آموزش سوره‌های خاصی به فرزندان سفارش شده است (کلینی، ۱۳۶۴ ش، ۵/۵۱۶)؛ ۲۷ برای نمونه، در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ (یَسْ) فَإِنَّهَا رِيحَانَةُ الْقُرْآنِ؛ به کودکان خود سوره یاسین را آموزش دهید که این سوره، ریحانه و گل قرآن است.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۶۷۷) و از آموختن برخی از آنها با توجه به جنسیت آنان نهی شده است (کلینی، ۱۳۶۴ ش، ۵/۵۱۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۱/۲۸(۳۷۴).

نخستین مرتبه آموزش‌های قرآنی، یادگیری روخوانی و روان‌خوانی قرآن است که تأثیری بسیار زیاد بر جسم و جان و روح و روان نوجوان دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر جوان با ایمانی که قرآن قرائت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود.» (کلینی، ۱۳۶۴ش، ۲/۶۰۳) ۲۹ و این کنایه از تأثیر عمیق قرآن بر شخصیت نوجوان و جوان است. در این‌جا سیره‌ای جالب از امام علی (ع) را یادآور می‌شویم: رمیله می‌گوید: امام علی (ع) بر جوانی گذشت که با خود زمزمه‌هایی می‌کرد، به او فرمود: اگر قرآن می‌خواندی برای تو بهتر بود. جوان عرض کرد: من قرآن را خوب بلد نیستم؛ ای کاش کاری می‌کردی که مقداری از قرآن را به خوبی فراگیرم امام (ع) فرمود: نزدیک بیا. جوان نزدیک آمد و امام آهسته در گوش او چیزی خواند. در این هنگام همه قرآن در ذهنش مجسم و حافظ کل قرآن شد (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۷۴). ۳۰ نکته مهم در این روایت توجه، هشدار و یادآوری به نوجوانان و مربیان است که باید در تمامی مراحل رشد در این مسیر تلاش نمایند.

۵. آموزش معارف و عقاید دینی

بخش مهم دیگری از معارف دینی که باید به نوجوان آموزش داده شود، اصول عقاید و معارف دینی است که پشتوانه فکری و عقیدتی محکمی برای دینداری او به شمار می‌آید. در واقع تربیت دینی درست نوجوان، افزون بر تدبیرهایی که باید در دوره کودکی او و در جهت ایجاد عادت به انجام افعال دینی و نیز فراهم آوردن زمینه‌های عاطفی و روحی خاص نسبت به امر دین اندیشید، از تجهیز فرد به آموزش‌های دینی، آن هم با استدلال و برهان‌های محکم و البته در خور فهم او، نباید غافل شد؛ به بیان دیگر، بسنده کردن به عادت و به اصطلاح عادت انفعالی برای تربیت دینی امری پسندیده و درست نیست، بلکه باید این مهم به عادت فعال و همراه با منطق و پشتوانه محکم یقینی همراه گردد. در این میان آنچه بیشتر از همه باید مورد توجه قرار گیرد، اصول دین است که چونان بنیان‌های دینداری به شمار می‌آید؛ به همین جهت، از جمله توصیه‌های پیشوایان دینی تحصیل علم و دانش دینی برای حفظ دینداری بوده است (حاجی ده آبادی، حسینی زاده، ۱۳۸۷ش، ۱۰۴).

و. آموزش مفاهیم و قواعد اخلاقی

اولویت دیگر آموزشی، آموزش‌های اخلاقی است؛ چرا که هدف غایی اسلام از تربیت انسان این است که مکارم اخلاقی را در شخصیت انسان حاکم سازد و از این رو سعادت دنیوی و اخروی وی را رقم زند. چنان‌که حضرت رسول (ص) فرمودند: «من برانگیخته شدم تا نیکی‌های اخلاقی را تکمیل کنم.» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۸، ۳۱). در واقع، اینگونه آموزش‌ها مقدمه و بلکه محوری برای دستیابی به معنا و مفهوم واقعی زندگی است.

از جمله آموزش‌های ضروری برای انسان، به ویژه در دوره نوجوانی، آموزش‌های اخلاقی است. در متون اسلامی نیز درباره ضرورت این‌گونه آموزش‌ها به نوجوانان، مطالب در خور توجهی دیده می‌شود. در حدیثی از امام علی وارد شده است: «فَبَادِزْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَنْغِلَ لُبُّكَ؛ پیش از آنکه قلبت سخت گردد و اشتغال‌های فراوان ذهنی تو را فراگیرد، به تأدیب تو پرداختم.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). تأدیب مطلق است و شامل آموزش‌های اخلاقی نیز می‌شود. این امر بیانگر آن است که فرصت آموزش اخلاقی در دوره نوجوانی را به هیچ وجه نباید از دست داد. چنان‌که حضرت سجاد (ع) در مقام بیان تکالیف والدین و حقوق فرزندان، تربیت و آموزش اخلاقی آنان را از وظایف حتمی والدین می‌داند (حرانی، ۱۳۸۴ش ۲۷۰، ۳۲). معارف اخلاقی زیادی وجود دارند که لازم است علاوه بر آموزش علمی و عملی آنها، والدین و مربیان، خود به آنها ملتزم باشند، تا نقش الگویی خود را به نحو احسن به انجام رسانیده باشند.

ز. آموزش مسائل جنسی

از مهم‌ترین آموزش‌ها در این دوره حساس، آموزش به‌هنگام و صحیح مسائل جنسی است. بلوغ که غلیان غریزه جنسی در این دوران است، می‌طلبد که نوجوان رویارویی سالم و صحیح با این مهم داشته باشد. گذر از این دوران حساس نیاز به پذیرش و تعلیم صحیح نوجوانان است.

اسلام به این مسأله توجه نموده است و نوجوانان را در این عرصه تنها نگذارده است و بهترین راهنمایی‌ها و راه‌کارها را برای کنترل این غریزه طبیعی ارائه نموده است که لازم است والدین و مربیان در وهله اول خود با آنان آشنا باشند و در مرتبه بعدی نوجوان را با این غریزه و خطرات آن

آشنا نمایند (ر ک: ثابت ۱۳۸۲ش). ۳۳.

آموزه‌های دینی برنامه‌های قابل استنادی را در این خصوص ارائه نموده است از جمله به جوانب بلوغ و حساسیت این موضوع و اجازه خواستن فرزندان در هنگام ورود در محل استراحت والدین (ر ک: نور، ۵۸) ۳۴ و موارد دیگر که توضیح اجمالی آنها نیز از عهده این تحقیق خارج است.

البته موارد دیگری نیز وجود دارد که اسلام بدانها توصیه کرده است (ر ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۲۲/۳۳۳؛ شیخ طوسی ۱۴۰۷ق، ۸/۱۱۱) ۳۵ که به خاطر اختصار از پرداختن به آنها خودداری کردیم. (اعرافی، ۱۳۹۱ش، ۲).

آموزش در هفت سال سوم

این مرحله تمامی نکات دوره قبلی و حساسیت‌های آن را داراست. بهترین دوره کسب خصوصیات والای انسانی در همین دوره است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱ش). چرا که «ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۵ش)، حتی ارگیل معتقد است: «سنین ۱۴-۱۵ تا ۲۰ سالگی، دوره تعیین‌کننده‌ای برای تحول اعتقادات مذهبی است که این تحول می‌تواند به سمت منفی و از دست دادن باورها و سست شدن آنها یا به سمت مثبت باشد.» (آذربایجانی، ۱۳۸۲ش).

توجه خاص آموزه‌های دینی به دوره جوانی که برخی از آنها را در سطور قبلی بیان کردیم، به والدین و مربیان این نکته اساسی را می‌فهماند که همه تلاش خود را به کارگیرند تا رابطه سالم و سازنده‌ای را در این دوران با جوانان داشته باشند.

از مواردی که باید در این دوران توجه شود استفاده والدین و مربیان از روش‌های غیر مستقیم در تعلیم و تربیت است. باید توجه داشت که انحصار روش‌های تربیتی در روش‌های مستقیم، امروزه جداً مورد تأمل قرار گرفته است و از جمله شکست‌ها و ناکامی‌های نظام‌ها و برنامه‌های تربیتی در عصر حاضر، تأکید بیش از حد و اغراق‌آمیز بر این‌گونه روش‌های تربیتی است. این معنای محدود از تربیت، افزون بر اینکه نقش بسیاری از عوامل مؤثر در تربیت انسان را نادیده

می‌گیرد، نوعی فضاي ساختگي را در تربیت ایجاد می‌کند که کمترین تأثیر را بر فراگیران دارد. کمتر کودکی است که حتی با رشد عقلي اندك خویش، به طور کامل به چنین فضايي تن دهد تا چه رسد به نوجوان و جوان که در سطح نسبتاً خوبی از رشد عقلي قرار دارند. چاره این مشکل در این است که باید اولاً: نگرش خویش به تربیت را تغییر دهیم و تربیت را در گستره زندگی و عین زندگی بدانیم (شپرد ۱۳۵۷، ۲۰). در چنین صورتي است که همه فعالیت‌ها و اجزای زندگی روزمره رنگ و لعاب تربيتي به خود می‌گیرد، و باید کوشید تا لحظه‌لحظه زندگی با جهت‌مندی تربيتي همراه شود و در این صورت است که بیشترین نیازی به فضاهای ساختگي است که از آن به تربیت مستقیم تعبیر می‌شود و تأثیرهای آن در مقایسه با تربیت غیرمستقیم بسیار اندك و سطحي است.

تقدم تربیت غیرمستقیم از این جهت مورد تأکید است که در تربیت نوجوان و جوان، افزون بر نکات یاد شده، به روحیات و شخصیت انسان در این دوران باز می‌گردد. غرور و استقلال‌خواهی در این دوره به حدي است که به راحتی از برنامه‌های تربيتي مستقیم اطاعت نمی‌کند. تجربه نشان داده است که جوانان در دوران بلوغ از هر نوع اعمال نفوذ و راهنمایی مستقیم تربيتي، خود را کنار می‌کشند؛ بنابراین، بهترین راه این است که آنها را در موقعیت‌های آزاد که دارای پیامی تربيتي مناسبی برای آنان است، قرار گیرند تا خود بتوانند به درستي تصمیم بگیرند و با انگیزه درونی خود رفتار کنند.

جمع‌بندی

با توجه به پیشینه‌ای که ارائه گردید، عدم تحقیقی جامع در این خصوص و با نگرش اسلامي اهمیت پرداختن به این بحث را توجیه کرد. مفاهیم کلیدی این پژوهش از تعلیم و تربیت، نیل و رسیدن به قرب الهی را هدف عالمي اسلام برشمرد.

اولویت‌های مراحل تعلیم و تربیت از جهت رشد در نگاه اسلامي، برجستگی‌های هر يك از این دوران‌ها را تبیین و تفسیر نموده است. «ما دوران کودکی را به صورت خاص و در پی آن مقطع نوجواني و جواني را دوران تربیت اصلي انسان دانستیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ۶۳) بر اساس

مبانی دینی مراحل تعلیم و تربیت را در پنج دوره خاص رشدی به پیش‌زادی، سیادت، اطاعت، وزارت و حمایت تقسیم و هر یک در جای خود توصیف و تبیین شده است.

مهمترین آموزه‌های دینی، که نقش مؤثری بر تربیت فرزند (در تمامی مراحل) دارد، عبارت است از: تکریم شخصیت فرزند، توجه به نیازهای روحی - عاطفی او، تقویت ایمان و اخلاق وی، نظارت بر روابط اجتماعی فرزند و جهت‌دهی به تمایلات و گرایش‌های او (فتاحی زاده، ۱۳۸۴ش، ۱۱۴).

اولویت‌های محتوایی در مراحل تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلامی، آموزه‌هایی را در دوره‌های مختلف کودکی، نوجوانی و جوانی از نظرگاه اسلام مورد بررسی قرار داد که تعلیم واجبات، محرمات، مستحبات، اخلاقیات، تعلیم قرآن کریم و آموزش‌های جنسی از مهم‌ترین برنامه‌های محتوایی اسلام در این دوره‌هاست.

بنابراین در حالت کلی می‌توان بیان داشت که: تعیین مراحل در تعلیم و تربیت لازم است؛ هرچند بین مراحل، مرز دقیقی وجود ندارد و در اجرای هر مرحله باید اصل تدریج را رعایت کرد؛ با توجه به ملاک‌های ممکن، در تعیین مراحل تعلیم و تربیت، هم باید به مراحل رشد توجه داشت و هم به اولویت‌های محتوایی.

اما برای تدوین مراحل جامع تعلیم و تربیت، باید تمام ملاک‌ها را در نظر گرفت. با تلفیق ملاک‌های ذکرشده، می‌توان مراحل رشد را مبنا قرار داد و در هر مرحله، متناسب با امکانات طبیعی مخاطبان، مراحل آموزش‌ها و پرورش‌های لازم را به ترتیب اولویت - بر اساس اولویت‌های محتوایی - و با لحاظ پیش‌نیازهای منطقی آنها فهرست نمود، آنگاه بر اساس اولویت‌های ساختاری، ترتیب وظایف برنامه‌ریزان و مجریان تعلیم و تربیت را در هر مرحله تعیین کرد.

پی نوشت

۱. «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار [در کتاب علم خدا] ثبت است.»

۲. الف: عصمت ایشان: احزاب/۳۳؛ ب: اولیاء الهی: مائده/۵۵؛ احزاب/۶؛ انفال/۲۴؛ حدید/۲۸؛ نساء/۱۳۶؛ فتح/۱۰؛ ج: عالمان دین: آل عمران/۱۶۲؛ توبه/۱۱۹؛ انبیاء/۷؛ د: وجوب اطاعت از ایشان: آل عمران/۳۱؛ نساء/۱۳-۵۹-۶۵-۸۰؛ مائده/۴۲-۵۵-۶۷-۹۲؛ احزاب/۲۱-۳۳-۳۶؛ شعراء/۱۰۸؛ حشر/۷؛ یس/۲۰-۲۱؛ نور/۵۲-۵۴؛ توبه/۱۱۹-۱۲۰؛ انبیاء/۷؛ رعد/۷.

۳. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ بدرستی که در زمین برای خودم خلیفه قرار دادم.»

۴. «و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا؛ و زمانی که برای ملائکه امر کردیم که آدم را سجده کنند، همه سجده کردند.»

۵. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... فَضَلَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمزادگان را گرامی داشتیم؛ ... و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.»

۶. «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ سپس نطفه را خلق کردیم ... پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است!»؛ تین/۴: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.»

۷. گاه آموزش را با تعلیم جدا می‌دانند. آموزش را «Instruction» و تعلیم را «Enseignement» بیان کرده‌اند. ر.ک: میلاره، ۱۳۷۵ش، ۱۱.

۸. ذیل واژه «آموزش».

۱۰. روم/۳۹؛ «وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُؤُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ؛ آنچه به عنوان ربا می‌دهید تا در اموال مردم فرونی یابد، نزد خدا فرونی نمی‌گیرد.»

۱۱. اسراء/۲۴؛ «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و بگو پروردگارا، پدر و مادرم را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند.»؛ شعراء/۱۸؛ «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا؛ (فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی در

میان خود پرورش ندادیم؟»؛ «تَرْبِیْكَ» از ریشه «رَبَوَ» بوده که با جزم یاء حذف شده است.
^{۱۲} تربیت با ریشه «ربو» در قرآن دو مرتبه ذکر شده، برخلاف ریشه «ربب» که خیلی زیاد آمده است، و اینکه ریشه «ربب» ناظر به تربیت روحی و روانی است در حالی که با ریشه «ربو» ناظر به تربیت جسمانی است.
^{۱۳} به نظر تاج العروس و لسان العرب ریشه اصلی «ربب» است.
^{۱۴} گلسون میالاره می‌گوید: «حقیقت این است که جستجوی يك تعریف صحیح و صریح در کتابهای مهمی که در زمینه تربیت نوشته شده است کار بیهوده‌ای است.» (میالاره، ۱۳۷۵، ش، ۱۵)
^{۱۵} روان‌شناسان برای رشد جنبه‌های اساسی قائل هستند که باید هماهنگ با هم انجام گیرند: رشد عقلانی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی، رشد بدنی، رشد اخلاقی و رشد معنوی.
^{۱۶} در زبان انگلیسی واژه «Education» به کار می‌رود که از اصل لاتینی «educere» یا «educare» هست که طبق ریشه اول هدایت به فراتر و فراهم آوردن (پروریدن) را معنی می‌دهد و مطابق ریشه دوم تغذیه و فراهم آوردن را معنی می‌دهد. (ر.ك: مفاهیم کلیدی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۰).
^{۱۷} انسان کامل از نظر قرآن و آموزه‌های تربیتی اهل البیت (ع) موجودی برگزیده از سوی خداوند است. او جانشین خدا در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویش و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر می‌باشد. وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌نماید و بالا می‌رود، اما جز در بازگاہ الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد، ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است.

^{۱۸} ر.ك: مقاله کیفیت ارتباط‌های وجود انسان.

^{۱۹} باید توجه داشت که طرح سؤال به صورتی که در متن پیاده شده، مبتنی بر تفکیک تعلیم از تربیت است. در واقع در این تعبیر، ترکیب مزجی «تعلیم و تربیت» در مقابل واژه «education» به کار می‌رود. اما گاه از تربیت معنای عامی مراد می‌شود و شامل تعلیم - که به يك معنا، تربیت قوای شناختی است - نیز می‌شود. در این صورت، سؤال مزبور به صورت پرسش از اولویت میان تربیت قوای شناختی و تربیت سایر قوا قابل طرح خواهد بود.

^{۲۰} دعائم الاسلام: عن رسول الله (ص): «مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَ لْيَقِمَ فِي الْيُسْرَى»؛ و طبرسی در مکارم الاخلاق، ص ۲۲۷ این گونه روایت می‌کند؛ عن الصادق (ع): «الْمَوْلُودُ إِذَا وُلِدَ يُؤَدَّنُ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَ يُقَامُ فِي الْيُسْرَى».

^{۲۱} در این خصوص در روایتی از حضرت صادق (ع) آمده است: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْرُونَ يَوْمًا فَيَقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلْ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسَ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ

لَهُ اسْبُجْدُ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَكَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ وَضُرِبَ عَلَيْهِ وَ أُمِرَ بِالصَّلَاةِ وَضُرِبَ عَلَيْهَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ به کودک سه ساله هفت بار «لا إله إلا الله» را تلقین کنند و وقتی به سه سال و هفت ماه و بیست روز رسید هفت بار بگوید: «محمد رسول الله» و در چهار سالگی هفت بار بگوید «صلي الله علي محمد و آله» در پنج سالگی اگر توانست دست راست و چپش را تشخیص دهد، رویش را به سمت قبله بگرداند و به او بگویند: سجده کن، هنگامی که هفت سالش تمام شد، به او بگویند صورت و دست هایش را بشوید و نماز بخواند و در نه سالگی، به او وضو یاد دهند و به وضو و نماز وادارند. (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱/۲۸۱).

۲۲. در نهج الفصاحة چنین روایت شده است: عن رسول الله (ص): «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ؛ حکایت کسی که در کوچکی علم آموزد چون نقش بر سنگست حکایت کسی که در بزرگی علم آموزد چون کسی است که بر آب نویسد». (پاینده ۳۸۰ش، ۷۱۷) در جای دیگر می فرماید: «عَلِّمُوا أَبْنَاءَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرِّمِي وَ الْمِرَاةَ الْمَغْزَلِ (همان، ۵۶۷) فرزندان خویش را شنا و تیر اندازی آموزید و زنان را ریسندگی.»؛ همچنین فرمودند: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرِّمِيَةَ؛ فرزندان خود را شنا و تیراندازی یاد دهید.» (کلینی، ۱۳۶۴ش، ۶/۴۷)؛ در روایتی از حضرت امیر (ع) نیز آمده است: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَنَةَ بِرَأْيِهَا؛ به کودکان خود چیزی بیاموزید که خدا آن ها را بدان سود دهد مبادا طائفه مرجنه عقیده خود را بدانها تحمیل کنند.» (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۰۳ش، ۲/۶۱۴).

۲۳. مخصوصاً برای دختران که بنا به نظر مشهور فقهاء در سن نه سالگی به تکلیف شرعی می رسند.

۲۴. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) وَ أَنَا شَابٌّ فَوَصَفَ لِي التَّطَوُّعَ وَ الصَّوْمَ فَقَرَأَ ثِقُلَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ فَقَالَ لِي إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَالْفَرِيضَةِ مَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ إِنَّمَا هُوَ التَّطَوُّعُ إِنْ شِغِلْتَ عَنْهُ أَوْ تَرَكَتَهُ فَصِيَّتُهُ»

۲۵. «اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنَا شَابٌّ فَقَالَ لِي أَبِي (ع) يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْبَسِيرِ»

۲۶. «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَذْيَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.»

۲۷. عن الرسول الاعظم (ص): «عَلِّمُوهُنَّ الْمِغْزَلَ وَ سُورَةَ الثُّورِ؛ آنان [زنان] را ریسندگی و سوره نور را تعلیم دهید.»

۲۸. عن الرسول الاعظم (ص): «لَا تَعْلَمُوا نِسَاءَكُمْ سُورَةَ يُوسُفَ وَ لَا تَقْرَأُوهُنَّ إِيَّاهَا فَإِنَّ فِيهَا الْفِتْنَ.» و نیز: الجعفریات، ص ۹۸؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۱۶؛ الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴؛ ج ۳، ص ۴۴۲؛ ایضاً عنه (ص): «لَا تَعْلَمُوهُنَّ الْكِتَابَةَ؛ زنان را نوشتن [خطاطی] تعلیم ندهید.»

۲۹. عن الصادق (ع): «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ»

۳۰. «أَنَّ عَلِيًّا (ع) مَرَّ بِرَجُلٍ يَخِيطُ وَ هُوَ يُعَنِّي فَقَالَ لَهُ يَا شَابُّ لَوْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ لَكَانَ خَيْرًا لَكَ فَقَالَ إِنِّي لَا أَحْسِنُهُ»

وَلَوْ دِدْتُ أَنِّي أَحْسَنُ مِنْهُ شَيْئًا فَقَالَ ادْنُ مِنِّي فَدَنَا مِنْهُ فَتَكَلَّمَ فِي أُذُنِهِ بِشَيْءٍ خَفِيٍّ فَصَوَّرَ اللَّهُ الْقُرْآنَ كُلَّهُ فِي قَلْبِهِ يَحْفَظُهُ كُلَّهُ.»

۳۱. عن الرسول (ص): «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

۳۲. «وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَتَثْقِيفُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسِّرُّ عَلَيْهِ وَالرَّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ وَالسِّرُّ عَلَى جَرَائِرِ حَدَائِثِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَالْمُدَارَاةَ لَهُ وَتَرْكُ مُمَاحَكَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى لِرُشْدِهِ.» (ر.ك: حرانی،

۱۳۸۴ ش، ۲۶۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۲/۶۲۲؛ و ۱۴۰۳، ۲/۵۶۸).

۳۳. و مراجعه شود به همچنین پایان‌نامه‌هایی نیز در این خصوص نگاشته شده است از جمله: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، انحراف جنسی از دیدگاه قرآن و روایات؛ شیوه‌های هدایت و کنترل غریزه جنسی، که به تبیین این موضوع مطالبی را ارائه نموده‌اند.

۳۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصْعُونَ فِي آيَابِكُمْ مِنَ الظُّهَيْرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.» * «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.»

۳۵. در برخی از روایات به جای «احداثکم» عبارت «أَوْلَادُكُمْ» وارد شده است. (ر.ك: کلینی، ۱۳۶۴ ش، ۱۶/

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغة.
- ابن ابی الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق محمود محمد طناحی، قم، موسسه انتشاراتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ه.ش.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، قم، موسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه.ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تعلیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ابن منظور، احمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- آذربایجانی، مسعود، تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
- اسماعیلی، علی، جوان انگیزه و رفتار جنسی، تهران، لقاء النور، ۱۳۸۱ ه.ش.
- اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، نگارش سید نقی موسوی، ج ۱-۲، قم، موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ ه.ش.
- افرام بستانی، فؤاد، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.

- انصاري شیرازی، قدرت‌الله و دیگران، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی - نشر بین‌الملل، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ه.ش.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۸۰ ه.ش.
- پورامینی، محمدباقر، جوان در چشم و دل پیامبر (ص)، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ثابت، حافظ، اصول و روشهای تربیت جنسی در اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲ ه.ش.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ حسینی‌زاده، سید علی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- حرّانی، ابومحمد، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، انتشارات آل علی، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ه.ش.
- حسینی، داود، روابط سالم و سازنده بین والدین و فرزندان، چکیده مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، اسفند ۱۳۸۴ ه.ش.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، تهران، نشر موسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
- خادمی، محمدعارف، آموزه‌های تربیتی در رساله حقوق امام سجاد (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعة المصطفی‌العالمیة، دفاع ۱۳۸۴ ه.ش.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در دانشکده‌ی افسری ۱۳۸۱/۸/۷.
- ، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۳۳؛ دیدار با مسئولین امور تربیتی ۱۳۶۵/۸/۱۳.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ه.ش.

دبس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مشهد، انتشارات به نشر، ۱۳۸۲ ه.ش.
دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، بی جا، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ه.ش.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ه.ش.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

سیف علی اکبر، روان شناسی تربیتی، پیام نور، ۱۳۹۱ ه.ش.

روان شناسی پرورشی، تهران، نشر آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۶۸ ه.ش.
شپرد، تی بی، آموزش و پرورش زنده، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۵۷ ه.ش.
شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان، تهران، نشر تربیت، چاپ چهارم، بهار ۱۳۷۶ ه.ش.
شریعتمداری، علی اکبر، رسالت تربیتی مراکز آموزشی، تهران، سمت، ۱۳۷۴ ه.ش.
شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مکتبه حیدریه، چاپ اول، بی تا.
شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۱ ه.ش.

مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۱ ه.ش.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه.ش.

-----، من لا یحضره الفقیه (الفقیه)، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

-----، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق،

طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ه.ق.

طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.

عاکل، فاخر، علم النفس التربوي، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۵ م.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵ ه.ش.

عندلیب، حمزه، نحن و الاولاد فی مآثر اهل بیت النبوة (ع)، مشهد، نشر دلیل، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه.ش.

غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ ه.ق.

فتاحی‌زاده، فتحیه، مراحل تربیت در اسلام و نقش والدین در انتقال ارزش‌های دینی - اخلاقی، چکیده مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، اسفند ۱۳۸۴ ه.ش.

فتحعلی، محمود، مصباح، مجتبی، یوسفیان، حسن،، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ه.ش.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه.ق.

فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، **القاموس المحيط**، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۷۱ ه.ق.

فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم، دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.

قائمی، علی، **شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان**، تهران، انتشارات امیری، چاپ پنجم، ۱۳۷۰ ه.ش.

قائمی، علی، **پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان**، تهران، انتشارات امیری، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ه.ش.

قرشی بنایی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه.ق.
قطب راوندی، سعید بن هبة الله، **الخراج و الجرائح**، قم، مؤسسه الامام المهدی (ع)، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ه.ش.
متقی هندی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال**، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ه.ق.
محمدی ری شهری، محمد، **حکمت نامه کودک**، ترجمه عباس پسندیده، قم، دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه.ش.

مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.

مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران و قم، انتشارات صدرا، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۴ ه.ش.

معیری، محمد طاهر، **بچه های خوب**، پرورش بد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ه.ش.
مهدی زاده، حسین، **بررسی جایگاه عقل در تربیت از دیدگاه امام کاظم (ع) در روایت هشام بن حکم (آیین عقل ورزی)**، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷ ه.ش.

موسوي راد لاهیجی، سید حسن، «پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کنید»، ۱۳۷۷ ه.ش.
میالاره، گاستون، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، انتشارات
دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ه.ش.

میخبر، سیما و دیگران، ریحانه بهشتی، قم، نورالزهرا، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۶ ه.ش.
الهامی نیا، علی اصغر؛ احمدی، محمدرضا، تعلیم و تربیت اسلام، تهران، مرکز تحقیقات
اسلامی، ۱۳۷۸ ه.ش.

همت بناری، علی، امام علی (ع) و تربیت فرزند؛ امام حسن (ع) و تربیت فرزند؛ امام
حسین (ع) و تربیت فرزند؛ ... (www.seraj.ir)

یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه: مسعود حاجی زاده،
تهران، انتشارات صابرین، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ه.ش.

